

فصل ۱۵: ویژگی‌های اهل آخرت و پاره‌ای از نعمت‌های معنوی و اخروی که خداوند متعال به آن‌ها ارزانی می‌دارد

«يَا أَحْمَدُ! إِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَجُوهُهُمْ، كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ، قَلِيلٌ حُمُقُهُمْ، كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ، قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ...»

ای احمد! اهل آخرت چهره‌هایی متواضع دارند، حیای آن‌ها فراوان، کم‌خردی‌شان ناچیز و سودشان سرشار و مکرشان اندک است ...

ادامه‌ی فراز ۷۸: محاسبه‌ی نفس و به زحمت انداختن آن

«مُحَاسِبِينَ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَعَبِينَ لَهَا»

از نفس خویش حساب می‌کشند و آن را به رنج می‌اندازند.

بحث در صفات اهل آخرت بود. فرمود که اهل آخرت قلوب رقیقی دارند؛ با حیا هستند؛ تا این که فرمود این‌ها اهل محاسبه‌ی نفس هستند و به خاطر این حساب کشیدن خود را به زحمت می‌اندازند. در مورد محاسبه‌ی نفس گفتیم که در نصوص روایی و در قرآن خیلی مورد توصیه است. این جلسه یک نکته‌ای را مقدمتاً می‌گوییم و بعد قسمت‌هایی را از کتاب سید بن طاووس می‌خوانیم. ایشان خیلی به دستورات کاربردی اهمیت می‌داده است. بحث محاسبه‌ی نفس آن قدر برای ایشان مهم بوده که کتاب مستقلی با عنوان «محاسبة النفس» نوشته است.

آن نکته‌ی مقدماتی یک اصل کلیدی است که در مسائل مختلف اخلاقی به کار می‌آید. به خصوص در محاسبه‌ی نفس بزرگانی مثل سید بن طاووس خیلی به آن توجه کرده‌اند. ما به صورت کلی آن را می‌گوییم.

اصل کلی: اتحاد نظام تکوین و تشریح

به لحاظ عقلی قانونی هست در نظام تکوین و نظام تشریح که هر دو به توحید برمی‌گردد. قوانینی که در نظام تکوین وجود دارند عیناً در نظام تشریح به عنوان دستورات شرعی وجود دارد. شارع مقدس آن چه در احکام چه به صورت وجوب و حرمت و چه به صورت استحباب و کراهت فرموده است، ریشه در نظام تکوین دارد. شهید مطهری در باب مسائل و احکام زنان این مثال را مطرح می‌کنند. برخی مسائل زنان به لحاظ ظاهری با عقل عمومی جامعه نمی‌خواند. ایشان می‌فرماید می‌بینیم در نظام تکوین که خداوند برخی موجودات را مجهز به قوایی کرده است که باید متناسب با آن عمل کنند. اگر این طور نباشند مرگشان می‌رسد. مثلاً به آهو یک پای دونده داده است. از آن طرف به شیر دندان‌های تیز و عضلات قوی داده است. به عبارتی آهو طبیعتی که طبق آن ساخته شده است این است که باید بدود و از دست شیر فرار کند. شیر هم طبیعتش دریدن و خوردن است. اگر بخواهیم به صورت تصنعی جای این دو را عوض کنیم و مثلاً به آهو بگوییم که تو چرا همیشه فرار کنی؟ یک بار هم تو حمله کن. این باعث هلاکت او خواهد شد. همین طور اگر از شیر بخواهیم که حمله و درندگی نکند و جایش را با آهو عوض کند به هلاکت خواهد رسید. همین طور وقتی که در روایت داریم که زن مثل گل است و نباید کارهای سخت و سنگین را به او سپرد. این حکایت از یک واقعیت تکوینی دارد. اگر مخالف این طبیعت تکوینی به وی تحمیل کنیم به وی آسیب می‌رسد. این ضد حقوق زن نیست. این متناسب با نظام تکوین است.

اسم اعظم الهی

این نکته یک ریشه‌ی عمیقی در مبانی فلسفی ما دارد. ما در عرفان یک قانون داریم که می‌گوید در نظام خلقت اگر ما اصل را کلمه‌ی توحید بگیریم، اول اسمی که از آن صادر می‌شود اسم اعظم است. اسم اعظم نه به لحاظ تشریفات بلکه واقعاً اعظم اسماست. در عالم تکوین اعظم است واقعاً. در عالم هم چیزی جز اسماء ظهور ندارد. تمام اسماء به اسم اعظم برمی‌گردد. این که می‌گویند اگر کسی اسم اعظم را بداند همه کار می‌تواند بکند از این جهت است. می‌گویند که اسم اعظم هفتاد و سه حرف دارد که هفتاد و دو حرف آن را پیغمبر و امیرالمؤمنین می‌دانستند و یک حرف آن اسم مستأثره‌ی الهی است. می‌گویند آصف بن برخیا دو حرف را می‌دانسته است. این

عبارات معلوم می‌کند که دانستن لفظی مراد نیست. کسی که با این اسماء انس بگیرد و با آنها یکی بشود طبیعی است که عالم به اراده‌ی او بگردد. چون عالم به اراده‌ی اسماء می‌گردد.

اگر پروردگار را در رأس عالم و مبدأ آن بگیریم اول اسمی که از وی صادر می‌شود می‌شود اسم اعظم.

رحمت واسعه‌ی الهی اسم اعظم پروردگار است

در نصوص روایی اصطلاحات مختلفی را برای اسم اعظم ذکر کرده‌اند. برخی می‌گویند که اسم اعظم اسم ولی است. مرحوم راغب در مفردات و مرحوم علامه‌ی طباطبایی در المیزان و رساله‌ی الولایه روی آن تأکید می‌کنند. ما فعلاً خیلی به این کاری نداریم. در برخی روایات هست که اسم رحمن الهی یعنی رحمت واسعه‌ی پروردگار اسم اعظم است. ما الآن به این کار داریم. بنابراین روایت اولین اسمی که از پروردگار صادر شد اسم رحمت واسعه‌ی پروردگار است.

۱. «و رحمتی وسعت کل شیء»^۱

ذیل این آیه‌ی شریفه روایت دارد که منظور رحمت واسعه است.

رحمت واسعه‌ی الهی شامل رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه‌ی الهی است

ذیل این رحمت واسعه دو شق رحمت صادر می‌شود. یک شق آن رحمت رحمانیه است؛ که این رحمت رحمانیه کل نظام تکوین را اداره می‌کند. لذا کل سنن الهی در نظام تکوین از جزئی‌ترین سنت‌ها که گردش خورشید و ماه تا عوالم امری و عوالم ملکوت تماماً در انشقاق ذیل اسم رحمان است. یک شق دیگر آن رحمت رحیمیه‌ی پروردگار است. رحمت رحیمیه‌ی پروردگار نظام تشریح را اداره می‌کند. ارسال رسل، انزال وحی، هدایت تشریحی، هدایت ارشادی، هدایت ایصالی، مغفرت و تمام مفاهیمی که در نظام تشریح وجود دارند و بخصوص سنت‌هایی که ریشه در قوانین شرعی الهی دارد، همه ذیل این رحمت رحیمیه‌ی پروردگار قرار دارند.

^۱ اعراف، ۱۵۶

اتحاد نظام تکوین و تشریح در مقام اسم اعظم الهی

پس توجه عارف اساساً این است که نظام تشریح و تکوین همین طور که در قوس صعود بالا می‌روند در اسم اعظم الهی با هم متحد می‌شوند. یعنی اسم اعظم الهی به رحمت رحمانیه‌اش عالم را اداره می‌کند و به رحمت رحیمیه‌اش انسان‌ها و اجنه را در نظام تشریح به سمت کمال سیر می‌دهد. پس از این جا معلوم می‌شود که ما آنچه در شریعت داریم در باطن به نظام تکوین متصل می‌شود. لذا اولیای الهی که چشمشان به اسم اعظم باز می‌شود تکوین و تشریح را متحد با هم می‌بینند. از این جا معلوم می‌شود که کسی که در نظام شریع عمل به قوانین الهی نمی‌کند در نظام تکوین هم به زحمت می‌افتد.

شواهد قرآنی و روایی

این ریشه‌ی عقلی که گفتیم در قرآن و روایات شواهد فراوان دارد. قبلاً این بحث گفته شده است ولی برای یادآوری مطالبی را دوباره مطرح می‌کنیم.

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ»^۲

ذیل این آیه روایت دارد که گاهی اوقات ابرهایی را خداوند برای زمین‌هایی تشنه می‌فرستد اما وقتی که زمان باران این‌ها است به واسطه‌ی گناهی که اهل آن شهر انجام می‌دهند این ابرها می‌روند به منطقه‌ای در خارج از شهر می‌بارند، که فایده‌ای برای مردم آن شهر ندارد.

۳. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخُلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ

الْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»^۳

۴. «وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا»^۴

^۲ اعراف، ۹۶

^۳ مائده، ۶۵ و ۶۶

^۴ مریم، ۸۸ تا ۹۰

این یعنی واقعاً می شکافد.

۵. «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^۵

این آیه صراحت دارد. خبر از یکی بودن تکوین و تشریح می دهد. اگر عظمت قرآن در نظام تکوین بر کوه‌ها فرود بیاید کوه‌ها متلاشی می شوند.

روایات ذیل این آیات فراوان است.

در دعای کمیل امیرالمؤمنین اثرات گناهان را می‌شمرند. ذیل این عبارات روایات فراوان داریم که گناهایی که باعث می شوند نعمت‌ها عوض شوند چه گناهی است. مثلاً این که گناه قطع رحم باعث کوتاه شدن عمر می‌شود. این رابطه‌ی تنگاتنگ بین نظام تکوین و تشریح را می‌رساند. این اصل بسیار ریشه‌داری است.

مرحوم علامه‌ی طباطبایی طبق همین اصل بحثی را باز می‌کنند در مورد عذاب‌هایی که به دعای انبیاء بر قومشان نازل می‌شود. ایشان می‌فرماید که کل عالم، تشریحاً در حال تسبیح پروردگار است. ایشان آیه‌ی سوره‌ی اسراء را شاهد می‌آورند که اگر مراد تسبیح تکوینی بود معنا نداشت که بفرماید شما نمی‌فهمید.

۶. «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»^۶

ما که تسبیح تکوینی را می‌فهمیم. تمام فلاسفه و اهل معنا تسبیح تکوینی را در عرفان نظری اثبات کرده‌اند. این نشان می‌دهد که تسبیحی که گفته شده است تسبیح تشریحی است. یعنی موجودات با شعور و درک خودشان پروردگار را تسبیح می‌کنند.

بعد ایشان می‌فرماید در این نظام که همه در یک مسیر حرکت می‌کنند اگر کسانی از انسان‌ها و اجنه بر خلاف جهت حرکت کنند بقیه بر آن‌ها شورش می‌کنند. شورش اولیه این است که «فسنیسره للعسری»^۷. شورش‌های بالاتر این

^۵ حشر، ۲۱

^۶ اسراء، ۴۴

^۷ لیل، ۱۰

است که مثل قوم لوط کلاً از بین می‌روند. ایشان این مطلب را با استفاده از فلسفه تحلیل می‌کنند. این اصل خیلی اصل عمیقی است.

اگر شارع مقدس فرمود نماز بخوانید این فقط یک کرنش ظاهری در برابر پروردگار نیست. این نماز حتی در سلامت مزاج ما اثر می‌گذارد. این نماز در نظام تکوین در وجود ما اثر می‌گذارد. از این اصل این قدر می‌فهمیم که نماز یک امت در حیات تکوینی آن امت، در راحت زندگی کردنشان و در آرامشان اثر دارد. این قدر را ما می‌فهمیم. اگر انسان‌ها در مسیر پروردگار باشند نظام رزق و روزی‌شان هم بهتر می‌چرخد. چطورش را ما نمی‌دانیم.

۷. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۸

مراتب محاسبه‌ی نفس

با این نگاه وارد محاسبه‌ی نفس می‌شویم. در محاسبه‌ی نفس علمای اخلاق خیلی از این اصل استفاده کرده‌اند. می‌گویند محاسبه‌ی نفسی که می‌گوییم دارای مراتب است. اگر کسی بخواهد به دستورات عملی علمای اخلاق عمل بکنند باید با یک سیر منظمی قدم به قدم پیش بروند.

مرتب‌ی اول: انسان توجه کند که مورد محاسبه‌ی موجودات عالم خلق قرار دارد

مرحوم سید می‌گوید اولین مرحله‌ی محاسبه این است که ما در نظام تکوین توجه بکنیم که ما در عالم تحت محاسبه‌ی تمام موجوداتی هستیم که با آن‌ها داریم زندگی می‌کنیم. مثلاً در همین جمعی که قرار داریم. ما سال‌هاست داریم با هم زندگی می‌کنیم. وقتی من در این جمع هستم مواظب ظاهر خودم و رفتار و گفتار خودم هستم. این طبیعی است. چرا؟ من می‌گویم که من تحت قضاوت افرادی هستم. با این که این افراد دوستان من هستند. یعنی اگر هم اشتباهی از من ببینند قضاوت بدی نمی‌کنند. حالا انسان به این معنا توجه داشته باشد که لحظه به لحظه تمام اشیائی که دور و بر من هستند به من توجه دارند. روایت داریم که کافر وقتی از دنیا می‌رود و در خاک قرارش می‌دهند اولین صحبت را خاک با او می‌کند. به او می‌گوید که وقتی که روی من بودی و راه می‌رفتی من از تو کینه داشتم، از تو بدم می‌آمد. از آن زمان با تو دشمنی داشتم. اگر ما قبول کنیم که نظام عالم

^۸ طلاق، ۲ و ۳

نظام تسبیح است. نظام عالم نظامی است که منظم و کاروان گونه به سمت پروردگار حرکت می کند. اگر پذیرفتیم که کسی که بخواهد خلاف مسیر این کاروان حرکت کند با او به شدت مخالفت می شود. اگر به این توجه بکنیم که کل عالم دارد ما را می پاید، در محاسبه ی نفس خیلی اثر دارد.

۱. «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^۹

۲. «كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا، وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا»^{۱۰}

۳. «وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ»^{۱۱}

۴. «هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^{۱۲}

البته بنا بر معنای متعارفش. معنای دقیقی دارد که امام صادق ذیل آن فرموده اند. نه به آن معنای دقیق؛ به همان معنای ظاهری که از ادبیات عرب می شود فهمید.

لذا ایشان در این مرتبه ی محاسبه ایشان می فرماید که بنده ی مؤمن توجه بکند که یک روزی «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ

الْسِّنَّتْهُمْ وَأَيَّدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^{۱۳}

مرتبه ی دوم: انسان توجه کند که مورد محاسبه ی موجودات عالم امر قرار دارد

در مرتبه ی دوم ایشان می فرماید که محاسبه ی مرتبه ی بعد از عالم خلق خارج می شود؛ وارد عالم برزخ می شود. در عالم برزخ حجاب ها رقیق تر است. به عبارت دیگر شعور و ادراکی که موجودات خلقی دارند این شعور محبوب در کدورت عالم خلق است. لذا دقیق نمی توانند ببینند. دقیق نمی توانند بفهمند. به همین علت است که تسبیح تهلیل شعور و اراده ای که در عالم خلق هست برای ما مشهود نیست. ولی ایشان می فرماید که ساده ترین معنایی

^۹ ق، ۱۸

^{۱۰} مریم، ۷۹ و ۸۰

^{۱۱} ق، ۴

^{۱۲} جائیه، ۲۹

^{۱۳} نور، ۲۴

که می فهمیم این است که مردگان ما که به عالم امر می روند شعور و ادراکشان به مراتب بیشتر است. چون وارد عالم امر شده اند. لذا به کسانی که پدر و مادرشان را از دست داده اند توصیه می شود که اگر الآن برای آن ها کار خیری بکنید بیشتر دعایان می کنند چون بیشتر آگاهی دارند. لذا ایشان می فرماید در عالم امر از فرشتگان گرفته تا موجودات دیگر کاملاً کار ما را می بینند و محاسبه می کنند. به خصوص کسانی که حق دارند گردن ما مثل پدر و مادر؛ معلمین. این ها به سختی کنترل می کنند. مثلاً امام و شهدا برای ما. و از این قبیل. چرا؟ چون احساس می کنند که ما برای آن ها داریم کار می کنیم. لذا محاسبه می کنند که چه کردیم.

مرتبه ی سوم: توجه به حسابرسی شاهدان

منظور از شاهدان رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت معصومین علیهم السلام و ملائکه ی الهی است. جناب سید بن طاووس روایتی را نقل می کند که در نصوص روایی ما و به خصوص در تفاسیر برهان و نورالثقلین و مرحوم علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه ی شریفه ی «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَاَسَیْرَى اللّٰهُ عَمَلْکُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرْدُونَ اِلٰی عَالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَاَیْبَتُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^{۱۴} آمده است. سید هم از تفسیر قمی نقل می کند. مرحوم شیخ طوسی هم در تبیان به تفسیر قمی برمی گرداند چون از قدیمی ترین کتب تفسیری ماست.

۵. «رَوَى أَصْحَابُنَا أَنَّ أَعْمَالَ الْأُمَّةِ تُعْرَضُ عَلَى النَّبِيِّ ص فِي كُلِّ إِثْنَيْنِ وَ خَمِيسٍ فَيَعْرِفُهَا وَ كَذَلِكَ تُعْرَضُ عَلَى الْأُمَّةِ ع الْقَائِمِينَ مَقَامَهُ»^{۱۵}

اصحاب ما روایت کرده اند؛ منظور از اصحاب ائمه بوده است که به خاطر تقیه این طور گفته شده است. اعمال امت اسلام هر دوشنبه و پنجشنبه بر نبی عرضه می شود. و ایشان کاملاً می شناسد. به همین قیاس اعمال بر ائمه ی معصومین علیهم السلام عرضه می شود. ائمه ای که قائم مقام ایشان هستند.

راوی خدمت حضرت می رود و عرض می کند که تقاضا می کنم برای من دعا کنید. حضرت می فرماید که من چطور دعا نکنم برای شما؟ ما هر دوشنبه و پنجشنبه که نامه ی عمل شما می آید برای شما دعا می کنیم که خداوند به شما

^{۱۴} توبه، ۱۰۵

^{۱۵} محاسبه النفس، ص ۱۷

کمک کند که در مسیر خیر و صلاح حرکت کنید؛ برای بیماران شما دعا می‌کنیم و از این قبیل. در همان جا حضرت می‌فرمایند که ولی چه بکنیم که در نامه‌ی عمل شما چیزهایی می‌بینیم که ما را ناراحت می‌کند.

انسان یک لحظه توجه نکند که من که می‌خواهم مشرف بشوم حرم رضوی، هر دوشنبه و پنجشنبه هم ایشان به تعبیری سراغ من آمده‌اند و از من خبر دارند. محاسبه‌ای که من می‌خواهم بکنم را بالاترش را امام همواره برای من انجام می‌دهد. جزء اولین آداب زیارت یک محاسبه‌ی دقیق قبل از ورود به محضر و مشهد امام است. من که می‌خواهم وارد شوم، امام چه برخوردی باید با من بکنند. آیا در این چند وقتی که گذشته است من به تعهداتم عمل کرده‌ام؟

مرحوم سید در همین کتاب این روایت را نیز نقل می‌کند:

۶. مِنْ كِتَابِ الْكَلْبِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ «إِنَّ النَّهَارَ إِذَا جَاءَ قَالَ يَا ابْنَ آدَمَ اْعْمَلْ فِي يَوْمِكَ هَذَا خَيْرًا أَشْهَدُ لَكَ بِهِ عِنْدَ رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنِّي لَمُ آتِكَ فِيمَا مَضَى وَلَا آتِيكَ فِيمَا بَقِيَ وَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ»^{۱۶}

روز می‌گوید من آدم. بیا و امروز ظرف خیرات را پرکن. می‌گوید من تک‌تک کارها را نزد پروردگارت شهادت می‌دهم. بعد می‌گوید که من دیگر در آینده سراغ تو نمی‌آیم. در گذشته هم نیامده‌ام. یعنی هر روز یک بار می‌آید و می‌رود. بعد می‌فرماید شب هم مثل همین ماجرا تکرار می‌شود. شب هم همین را می‌گوید.

شاهد قرآنی

۷. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^{۱۷}

^{۱۶} همان، ص ۱۵

^{۱۷} بقره، ۱۴۳